

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران**

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: **مهدی رحمانیان**

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوبن تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شرق

دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۴ • ۲۷ شعبان ۱۴۴۷ • ۱۶ فوریه ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۲۸ • صفحه ۶۰۴۹

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۰۵ • اذان صبح فردا ۵:۲۵ • طلوع آفتاب ۶:۴۹



در روستای نیرس بخش کجور نوشهر یک واحد خیازی دارد که روزانه با سه کیسه سهمیه آرد دولتی نان روستاییان را در تمام فصل سال تأمین می‌کند. دو بانوی روستایی سال‌هاست در این ناوانی با همت خود نان روستاییان را می‌پزند و با این شغل امرار معاش می‌کنند. عکس: غلامرضا شمس‌ناتری، فارس

www.sharghdaily.com
apararat:tasvirshargh
Telegram:SharghDaily
youtube:sharghdaily
twitter:sharghdaily
instagram:sharghdaily1

عنایت بخشی، بازیگر صاحب‌نام سینمای ایران، در ۸۰سالگی درگذشت

مرد نقش‌های خاکستری

از صحبت‌های بهرام بیضایی درباره عنایت بخشی، یکی از بازیگران محبوب آثارش بود. بهرام بیضایی معتقد بود عنایت بخشی در پیله موفقیت‌هایش نبوسید و در آثارش همچنان باطراوت و تازه باقی ماندند. عنایت بخشی نه‌تنها در صحنه تئاتر و مقابل دوربین با کارگردان بزرگی مثل بهرام بیضایی همکاری کرد، بلکه مسعود کیمیایی، داریوش مهرجویی، علی حاتمی، ابراهیم گلستان، امیر نادری، ساموئل خاچیکیان، محمد متوسلانی، سیروس الوند و مهدی فخیمزاده از دیگر کارگردان‌های مطرح ایرانی هستند که از هنر عنایت بخشی بهره بردند.

عنایت بخشی را در تمام سال‌های حضورش در سینما و تلویزیون عمدتا با ایفای نقش ضدقهرمان به یاد می‌آوریم. او از جمله بازیگران توانمند عرصه بازیگری بود که با زبان بدن و چشم‌هایی که ناگفته سخن می‌گفت، نقش ضدقهرمان بسیاری از کارگردان‌های مطرح این کشور را با ظرافت تمام



بازیگر محبوب آثار بهرام بیضایی، علی حاتمی، ابراهیم گلستان، امیر نادری، ساموئل خاچیکیان، محمد متوسلانی، سیروس الوند و مهدی فخیمزاده از دیگر کارگردان‌های مطرح ایرانی هستند که از هنر عنایت بخشی بهره بردند.

سبزخوانی

شکاف بین انتظارات و واقعیت



نیست، بلکه بازار کار محلی، الگوی مالکیت زمین و حتی ساختار خانواده نیز می‌تواند به مهاجرت تغییر کند. براساس آمارهای رسمی سرشماری، در دهه اخیر خالص مهاجرت از استان‌های مرکزی به استان‌های شمالی و کلان‌شهر تهران بیش از ظرفیت آکولوژیکی، افزایش درخور توجهی داشته است. نظریه «فشارهای محیطی و جابه‌جایی جمعیت» نشان می‌دهد که مهاجرت اقلیمی الزاما انفجاری نیست، بلکه اغلب آهسته، خانوادگی و در چند مرحله رخ می‌دهد. وقتی زاینده‌رود که منشا گردشگری در استان اصفهان بود، خشک شده و چرخه تأمین آب و مشاغل در حاشیه آن به هم می‌خورد، ابتدا یک عضو خانواده مهاجرت می‌کند، سپس شبکه خویشاوندی شکل می‌گیرد و نهایتا با تغییر کاربری زمین و فروش دارایی‌ها، بازگشت دشوار می‌شود. در مقصد، مسئله تنها مسکن نیست. افزایش جمعیت بدون توسعه هم‌زمان شبکه آموزش، رفاه، انرژی، آب و حمل‌ونقل، تعارض میان مصرف خانگی و صنعتی را تشدید می‌کند. گزارش‌های رسمی وزارت نیرو در سال‌های اخیر از ناترازی چند هزار مگاواتی برق در اوج مصرف و کسری گاز در زمستان حکایت دارند. در چنین شرایطی، صنایع نخستین قربانی‌اند و تعطیلی‌های مقطعی موجب بیکاری پنهان می‌شود. عجم‌افلو در نظریه «نهادهای فراگیر و استراتژی» توضیح می‌دهد که وقتی سیاست انرژی و صنعت به صورت واکنشی و کوتاه‌مدت تنظیم شود، بی ثباتی اقتصادی به بی‌اعتمادی اجتماعی تبدیل می‌شود. هم‌زمان، اقتصاد غیررسمی و مشاغل کاذب گسترش می‌یابد. در ادبیات بانک جهانی، این وضعیت نشانه «اقتصاد سایه‌ای بقا» است، جایی که افراد برای حفظ حداقل درآمد به فعالیت‌هایی

بهناز شیربانی: «اعتراف می‌کنم که در مورد راننده نفتکش از اول به عنایت بخشی فکر می‌کردم، ولی خیال نمی‌کردم او بپذیرد. نقش کم و کوتاهی بود و من هیچ وقت نمی‌خواستم او را در رودربایستی قرار بدهم. کاملا تصادفی بخشی به ما سر زد و وقتی بهش گفتم نقشی هست که درخور او نیست و به همین دلیل بهش پیشنهاد نمی‌کنم، آن را ندید بپذیرفت. خب، این عاطفه سال‌های سال ما بود که گفت‌وگو می‌کرد نه خود ما. ما سال‌ها پیش در چند نمایش با هم کار کرده بودیم. جز «پهلوان اکبر می‌میرد» که جوانمرد کارگردانی کرده بود، بخشی با من در آن کار عروسکی که خودم کار کرده بودم و در «ضیافت» و در «سُلطان مار» بازی کرده بود و من همیشه به عنوان یک همکار ارش خیلی خوششم می‌آمد؛ هم مسئول بود و هم فهمیده و این هر دو در سرزمین باستانی ما ایران خیلی عجیب است. در «عروسک‌ها» مرشد را بازی کرد، در «ضیافت» شبان را و در «سلطان مار» صحنه‌گردان را که خود چند نقش بازی می‌کند. در سینما فرصت نشده بود با هم کار کنیم و حالا که حرفش پیش آمد، او لطف کرد و بپذیرفت. جلوی دوربین دوباره برای لحظاتی برگشتم به آن زندگی نمایشی سال‌ها پیش‌مان. خیلی کارها می‌خواستم بکنیم اما نشد. آشنایی و همکاری ما در کار نمایش این حسن را داشت که من و او به هم اعتماد داشتیم و زبان مشترک داشتیم. یکی از همان روزها گفت جالب است که بخشی پس از سال‌ها بازیگر سینما بودن از زبان تقاهم برخورد است. لازم نبود من زیاد حرف بزنم تا او بفهمد و او می‌فهمید که چرا من زیاد حرف نمی‌زنم. بخشی مثل کسی بود که به خانه خودش برگشته باشد. زبان مشترکش را بازیافته بود. اشاره‌ها را گفته و نگفته گرفته بود و در اولین تمرین می‌دیدم می‌شود گرفت»؛ این بخشی

یادداشت

سنگ‌های مان را بغلتانیم...



علی مرسلی

دندان پزشک

ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که در بسیاری از معادلات کلان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... بیشتر تماشاگریم تا بازیگر. در عرصه جهانی، بودن یا نبودن‌مان گویی اثر تعیین‌کننده‌ای بر روندها ندارد و حتی روی سرنوشت شخصی‌مان! در چنین فضایی، پرشی تکرار‌شونده ذهن بسیاری را درگیر کرده است: در شرایط ناپایدار و پیش‌بینی‌ناپذیر امروز، چگونه می‌توان امیدوار بود و امیدوارانه زیست؟ معمولا گفته می‌شود «امید» به زندگی معنا می‌دهد؛ امید شادی و انگیزه می‌آفریند و ما را برای رسیدن به خواسته‌های‌مان به مبارزه وامی‌دارد. اما آیا امید همه چیز است؟ آیا بدون امید نمی‌توان زندگی کرد؟ آیا اگر چشم‌اندازی روشن پیش‌رو نباشد، محکوم به فرسایش روانی و فروپاشی درونی هستیم؟ در اسطوره‌های یونان، Sisyphus (سیزیف) پادشاهی زیرک و داناست که زیرگی‌اش به مجازاتی ابدی می‌انجامد. او محکوم می‌شود تخته‌سنگی عظیم را تا قله کوهی بغلتاند؛ هر بار که به قله نزدیک می‌شود، سنگ فرومی‌افتد و او ناچار است همه چیز را از نو آغاز کند. چرخه‌ای بی‌پایان، بی‌ثمر و ظاهرا تحقیرآمیز.

اما آلبر کامو (نویسنده) پرشی متفاوت طرح می‌کند: آیا سیزیف در این وضعیت غمگین است یا شاد؟

در تفسیر کامو، سیزیف الزاما غمگین نیست؛ زیرا دیگر منتظر معجزه نیست. انتظار بی‌پاسخ یکی از سرچشمه‌های اصلی رنج ماست. آنچه ما را می‌فرساید، اغلب نه خود وضعیت، بلکه شکاف میان انتظار واقعیت است. سیزیف امیدی به تغییر سرنوشت ندارد؛ اما همین حذف انتظار، او را از احساس دائمی قربانی‌بودن رها می‌کند. وقتی وضعیت را به‌مثابه یک «وضعیت» می‌پذیرد، مجازات از تحقیر صرف به میدان کنش تبدیل می‌شود. شهادت نسل ما با این خواش از سیزیف در همین جاست. بسیاری از شرایطی که در آن زندگی می‌کنیم، نه انتخاب ما بوده‌اند و نه ابزار مؤثری برای تغییر فوری آن‌ها در اختیار داریم. نه ما این وضعیت را برگزیده‌ایم و نه احتمالا می‌توانیم آن را دگرگون کنیم. اما این ناتوانی در سطح کلان، به معنای انفعال مطلق در سطح فردی نیست. سیزیف سنگ خود را می‌غلتاند. همان‌گونه که من درماتر، روزنامه‌نگار، کارمند، کارگر یا لوله‌کش کار خود را انجام می‌دهم. ممکن است کار من شاید به «تغییر بزرگ» نینجامد، اما کنش است، نه تسلیم. وقتی انتظار دگرگونی‌های عظیم را کنار می‌گذارم، فاصله میان آرزو و واقعیت کمتر من را می‌فرساید. اگر توان اثرگذاری بر قدرت‌های بیرونی را ندارم، هنوز می‌توانم در قلمرو درونی‌ام آزاد بمانم و این آزادی، هرچند محدود، نوعی کرامت به همراه دارد. در این معنا، می‌توان سنگ را غلتاند؛ نه با خوش‌بینی ساده‌لوحانه و نه با توهم نجات قریب‌الوقوع، بلکه با آگاهی از محدودیت‌ها و انتخاب ادامه‌دادن. بی‌امیدی مطلق فلج‌کننده است، اما رهاکردن امیدهای بزرگ و دست‌نیافتنی، گاه می‌تواند ما را از فرسایشی دائمی نجات دهد. با این حال، تفاوت مهمی میان ما و سیزیف وجود دارد: ما به هادس زندگی نمی‌کنیم و به مجازاتی ابدی محکوم نشده‌ایم. تاریخ خود را می‌سازد، محتومیت نیست، حتی اگر امروز امکان نقش‌آفرینی‌مان اندک باشد. آنچه اکنون تغییرناپذیر می‌نماید، لزوما همیشگی نیست. شاید کافی باشد موقتا مانند سیزیف بیندیشیم – کار خود را انجام دهیم، بدون آنکه اسیر انتظارات‌های فلج‌کننده باشیم– تا دوام بیاوریم.

شاید مسئله اصلی این نباشد که «امید داشته باشیم یا نه»، بلکه این باشد که چگونه زندگی کنیم، وقتی امیدهای بزرگ رنگ باخته‌اند. در چنین وضعیتی، انجام مسئولیت‌های روزمره، فقط کرامت فردی و انتخاب آگاهانه ادامه‌دادن، خود می‌تواند معنایی موقت اما کافی بیافریند. فعلا شاید لازم باشد سنگ‌های خود را بغلتانیم؛ نه با سر توهم، نه با انتظار معجزه، بلکه با این آگاهی که حتی در محدودترین شرایط نیز می‌توان تصمیم گرفت چگونه بایستیم، چگونه ادامه دهیم و چرا سنگ‌های مان را بغلتانیم.

گزارش خوانی

سفره خالی در آستانه رمضان

با نزدیک‌شدن به ماه مبارک رمضان، نگرانی‌ها درباره رشد سرسام‌آور قیمت کالاهای اساسی به اوج رسیده است. هر روز سفره معیشتی ایرانیان کوچک‌تر و امنیت غذایی خانوارها تحت فشار سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد، به‌شدت تهدید می‌شود. حالا انگار یک قرن از آن روزها گذشته و تجربه جراحی اقتصادی به سبک مسعود پزشکیان، چیزی جز فلج اقتصادی به بار نیاورده است. آمار بازار نشان می‌دهد دستمزدها سال‌هاست از هزینه‌ها عقب مانده و سفره افطار و سحر ایرانیان، شاهد کوچک‌ترشدن خود بدون راه نجات است. جهش بی‌سابقه قیمت گوشت گوسفندی، برنج ایرانی و تقریبا تمام مواد خوراکی سبب شده سفره ایرانیان تحت فشار شدید قرار بگیرد. ادامه این روند می‌تواند دسترسی خانوارهای کم‌درآمد به مواد غذایی باکیفیت محدود و فشار معیشتی در ماه رمضان و فصل‌های دیگر را دوچندان کند. کارشناسان اقتصادی هشدار

می‌دهند که کنترل قیمت گوشت و سیاست‌های حمایتی فوری برای حفظ امنیت غذایی مردم ضروری است. به گزارش نورنیوز، مقایسه قیمت‌های سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ نشان می‌دهد نه‌تنها سفره افطاری، بلکه معیشت روزمره خانوارها با فشار شدید مواجه شده است. برنج، حبوبات، خرما، مرغ و پنیر افزایش قابل توجهی داشته‌اند که باعث کاهش قدرت خرید مردم و کوچک‌ترشدن سفره خانوارها شده است. کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند ادامه این روند می‌تواند امنیت غذایی کشور را به‌شدت تهدید کند و سیاست‌های حمایتی فوری از سوی دولت برای کنترل قیمت‌ها و حمایت از خانوارهای کم‌درآمد ضروری است. در ادامه به بررسی برخی قیمت‌ها که در آستانه ماه رمضان افزایش یافته است، می‌پردازیم. برنج، افزایش ۲۲۰ تا ۴۴۵ هزار تومان؛ افزایش ۱۴۰۳ تا ۲۵۵درصد؛ برنج پاکستانی: از ۸۶ هزار تومان؛ به ۱۵۱،۵۰۰ تا ۲۲۰ هزار تومان به افزایش ۷۵ تا ۱۵۶درصد؛ برنج هندی: از ۷۰ هزار تومان به ۱۶۱،۵۰۰ تومان؛ حدود ۱۳۱ درصد افزایش. حبوبات که یکی از منابع اصلی پروتئینی خانوارها هستند نیز افزایش شدید داشته‌اند:

لوبیاچیتی ۹۰۰ گرمی: از ۲۰۰-۲۴۰ هزار تومان به ۶۵۵ هزار تومان؛ رشد ۱۷۳ تا ۲۲۷ درصد/ لوبیاقرمز ایرانی ۹۰۰ گرمی: از ۱۴۰-۱۶۰ هزار تومان به ۵۰۰ هزار تومان؛ افزایش ۲۱۲ تا ۲۵۷ درصد/ نخود ۹۰۰ گرمی: از ۱۰۰-۱۰۵ هزار تومان به ۲۹۷ هزارو ۹۰۰ تومان؛ افزایش ۱۸۴ تا ۱۹۸ درصد/ لپه ۹۰۰ گرمی: ۳۳۹ هزارو ۹۰۰ تومان/ عدس ۹۰۰ گرمی: ۳۳۰ هزار تومان/ لوبیاسفید ۹۰۰ گرمی: ۴۲۴ هزار تومان.

قیمت خرماي مضافتي در سال ۱۴۰۴ به ۲۲۰ هزار تومان رسید، در حالی که سال گذشته انواع خرما بین ۷۰ تا ۱۴۰ هزار تومان فروخته می‌شد. این روند برای قیمت مرغ نیز بوده است و با افزایش شدید در بازار پروتئین همراه بوده به طوری که مرغ کامل ۲۱۵ هزار تومان اما سینه مرغ بدون استخوان ۲۵۹ هزار تومان فروخته می‌شود. قیمت لبنیات طوی چند هفته گذشته افزایش بی‌سابقه یافته، در این میان قیمت پنیرها در سال ۱۴۰۴ نسبت به سال ۱۴۰۳ به شکل قابل توجهی افزایش یافته و برخی انواع چندین برابر رشد داشته‌اند: قیمت پنیر سفید نسبتا چرب روزانه ۵۱۵ گرم ۱۵۸ هزارو ۷۰۰ تومان، پنیر سفید گلیایگان حدود یک میلیون تومان و پنیر پیتزا پروسس حدود ۵۰۰ هزار تومان عرضه می‌شود. بازار گوشت گوسفندی در سال ۱۴۰۴ با افزایش شدید قیمت‌ها روبه‌رو شده و بسیاری از خانوارها برای تأمین پروتئین مورد نیاز خود با مشکل جدی مواجه هستند. مقایسه قیمت‌ها با سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد برخی اقسام بیش از دو برابر گران شده‌اند. ران گوسفند با استخوان از ۶۳۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۳، به یک میلیون و ۳۹۰ هزار تومان رسیده، ماهیچه گوسفندی از ۹۸۰ هزار تومان به یک میلیون و ۹۷۰ هزار تومان افزایش ۱۰۰درصدی داشته و گوشت خورشتی گوسفندی از ۶۳۵ هزار تومان به یک میلیون و ۴۳۴ هزار تومان با افزایش ۱۲۶درصدی همراه بوده است. همچنین گوشت‌های ارگانیک و بسته‌بندی‌های ویژه، مانند گوشت گوسفند رضوانی یک کیلوگرم به قیمت سه میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و ران ممتاز دوتکیلویی شیشک تازه بدون کردن و قلوگاه سه میلیون و ۵۹۵ هزار تومان، رشد چشمگیر چندبرابری داشته‌اند و نشان‌دهنده گرانی شدید در تمام سبد گوشت خانوار است. انتظار می‌رفت هم‌زمان با ماه رمضان اقدامات ویژه‌ای برای کاهش قیمت‌ها یا عرضه محصولات خوراکی با قیمت مناسب رخ دهد.

روی می‌آورد که نه بهره‌وری بالایی دارند و نه امنیت شغلی. این چرخه، مطابق نظریه «محرومیت نسبی» تد رابرت کر، زمانی به نارضایتی اجتماعی تبدیل می‌شود که شکاف میان انتظارات و واقعیت افزایش یابد، مردم نه‌فقط به دلیل گرایش به سمت فقر مطلق، بلکه به دلیل احساس بی‌عدالتی واکنش نشان می‌دهند. ریزگرد‌ها، آلودگی هوا و احتمالا ناقص‌الخلقه‌زایی و نازایی مؤثر از آن، کمبود آب یا ناترازی انرژی هرکدام به‌تنهایی مسئله‌اند، اما در کنار هم به پدیده‌ای سیاسی تبدیل می‌شوند. پژوهش‌های دانشگاه استنفورد نشان می‌دهد که تکرار بحران‌های محیطی می‌تواند سرمایه اجتماعی را فرسایش دهد و ستون‌های اعتماد را از جامعه سلب کند. مفهومی که رابرت پاتنام آن را ستون اعتماد عمومی می‌دانست که کاهش اعتماد، هزینه تصمیمات سخت اقتصادی را بالا می‌برد و وقتی جامعه درباره توزیع منافع و هزینه‌ها بدبین شود، حتی اصلاحات ضروری نیز با مقاومت روبه‌رو شده و به نفع گروهی خاص تلقی می‌شود. در شمال کشور، پریش ظرفیت‌پذیری اکنون جدی است. مطالعات دانشگاه کمبریج درباره «ظرفیت بوم‌شناختی مناطق مهاجریدر» تأکید می‌کند که هر منطقه، سقفی برای جذب جمعیت دارد. عبور از آن بدون سرمایه‌گذاری هم‌زمان در زیرساخت و استفاده و بهره‌برداری و تصرف منابع طبیعی با تغییر کاربری منجر به افت کیفیت محیط زیست و ایجاد تنش‌های محلی می‌شود؛ مگر آنکه سیاست‌های آمایش سرزمین فعالانه اجرا شوند. آمارتاری سن، توسعه در گسترش «قابلیت‌ها» می‌دانست. توانایی مردم برای انتخاب نوعی زندگی که ارزشمند می‌دانند. وقتی بحران‌های محیطی و ناترازی‌های اقتصادی این قابلیت‌ها را محدود کنند، مسئله تنها رشد اقتصادی نیست، بلکه کیفیت حکمرانی و اعتماد عمومی است. تجربه کشورهایی مانند کره جنوبی نشان داده است که اصلاح هم‌زمان سیاست‌های حاکمیتی، نهادی، ساختاری و اجرایی تنها با شفافیت در اتاق شیشه‌ای می‌تواند جلب رضایت سرمایه اجتماعی و مردمی کرده و پشتوانه این رضایت عمومی از یک اقتصاد تحت فشار، اقتصادی باثبات ساخته، در مذاکرات با دیگر کشورها قدرتمندانه و بدون امتیازدهی بالا عمل کند.

۵

یورو

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی دحاول منابع لایحه بودجه ۱۴۰۵ کل کشور، با پیشنهاد دریافت عوارض از گردشگران خارجی موافقت کردند. طبق این مصوبه، عوارض دریافتی از هر گردشگر خارجی از مبادی هوایی معادل، پنج یورو به نرخ بازار مبادله است. پیش از این وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با اشاره به آمار ورود گردشگران به کشور گفته بود: «سال گذشته هفت میلیون و ۳۹۹ هزار گردشگر وارد ایران شدند و برنامه‌ریزی برای افزایش این رقم در سال جاری انجام شده است». در حال حاضر خروج از ایران نیز هزینه دارد و هر فرد ایرانی برای تمام سفرها این مبلغ را باید پرداخت کند.

۷۰

همت

حبیب اسدالله‌نژاد، مدیرعامل اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی ایران طی چند روز پیش به خبرنگار بازار درباره وضعیت این صنعت در کشور، نکاتی را بیان کرده است که هنوز دولت به آن جوابی نداده. این مقام صنفی اعلام کرد: «در حال حاضر مرغداران مشکل نقدینگی دارند در حالی که دولت حدوداً ۷۰۰ همت بدهی به صنعت مرغداری دارد در غیر این صورت مشکل تأمین نقدینگی بسیار جدی است». مدیرعامل اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی ایران گفت: «با حذف ارز ترجیحی، قیمت خوراک چهار برابر شده است».

۳.۵ میلیون تومان

بررسی‌های میدانی از سطح بازار نشان می‌دهد قیمت بسته‌های ۲۰عدد ی پوشک از حدود ۱۷۰ هزار تومان آغاز می‌شود و در برخی برندها و سایزها، بهای بسته‌های ۳۴عدد ی به‌رقم‌هایی تا سه میلیون و ۵۰۰ هزار تومان نیز رسیده است. با مروری بر قیمت پوشک‌های ارائه‌شده در بهمن‌ماه درمی‌یابیم روند صعودی قیمت‌ها ادامه داشته است. در پی افزایش شدید قیمت‌ها، برخی فروشگاه‌ها و پلتفرم‌های فروش اقدام به عرضه پوشک به‌صورت قسطی کرده‌اند؛ اتفاقی که پیش‌تر در مورد کالاهای بادوام و سرمایه‌ای دیده می‌شد.